

یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۹ - ۲۴ جماد‌الثنای ۱۴۴۲ - ۷ فوریه ۲۰۲۰ - شماره ۱۷۲۶ - پیاپی ۳۰۴۴

صنعت معدن تجارت

مشهور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه‌ها	
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «سمنت» <p>مدیر مسئول: ناصر بزرگمهر</p> <p>سر‌دبیر:عاطفه خسروی</p>	
تلفن: ۸۲۱۹۰ - شماره: ۸۸۷۱۳۷۲۰ - پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰ سازمان آگهی‌ها: ۳-۲۸۷۲۲۷۲۲-۸۸۷۲۴۲۱۱ شماره آگهی‌ها: ۸۸۷۲۴۲۱۱ امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۲۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹ توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۲۵ تهران، خیابان قائم مقام‌فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶- کد پستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱ روابط عمومی: pr@smtnews.ir آگهی: ads@smtnews.ir امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir چاپخانه: شرکت چاپ روان روشن‌مهر	
info@smtnews.ir www.smtnews.ir telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper tozi.smtnews@gmail.com	
روزنامه‌ها سمنت با ۶۳ امتیاز رتبه ۲ عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی در میان روزنامه‌های تخصصی مقام ۱ عضو تعاونی مطبوعات در میان روزنامه‌های اقتصادی مقام ۲	

دستمزد همواره مهم‌ترین مسئله و دغدغه کارگران است، هم برای کارگران شاغل و هم برای کارگران بزنشسته؛ آنچه در افواه «روزی» نامیده می‌شود و در ادبیات اقتصادی به آن، «درآمد ماهانه خانوار» اطلاق می‌شود، برای طبقه کارگر، همان دستمزدی است که سالانه توسط شورای‌عالی کار تعیین می‌شود.

بیش از ۷۰ درصد کارگران شاغل کشور، دستمزد ماهانه‌شان، بی‌کم‌وکاست، همان حداقل مزد مصوب شورای‌عالی کار است که بعد از ساعت‌ها چانه‌زنی و مذاکره، اصولاً با توافق ۳ گروه کارگری، کارفرمایی و دولتی تعیین می‌شود که البته سال گذشته در مذاکرات مزدی ۹۹، نظر و رای نمایندگان کارگری نادیده گرفته شد و با استناد به قانون مصوب دوران احمدی‌نژاد، اجماع بر سر دستمزد جای خود را به رای اکثریت حاضران جلسه داد و در نهایت، مزد با امضای کارفرمایان و دولت و بدون توافق کارگران تعیین شد.

برای بزنشستگان نیز، مفاد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی (مفاد مزدی این قانون) براساس سنت چندساله به اجرای مصوبات مزدی شورای‌عالی کار تقلیل یافته است؛ بنابراین بیش از ۷۰ درصد کارگران بزنشسته نیز به تأسی از حداقل‌بگیران کارگری، همان حداقل مزد مصوب شورای‌عالی کار را با یک حاشیه مزدی چندده هزار تومانی دریافت می‌کنند.

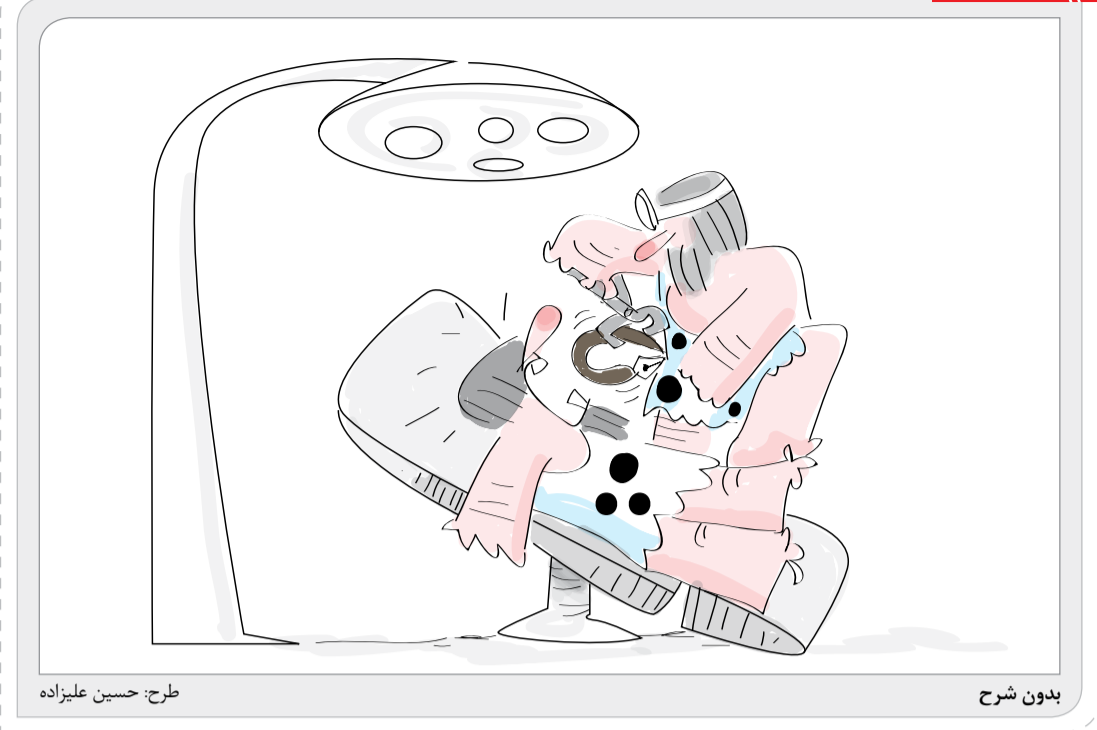
بهبان‌های جدید کارفرمایان

به گزارش ایلنا، باوجود اهمیت بحث دستمزد مصوب شورای‌عالی کار برای بیش از ۲۰ میلیون خانوار کشور که گستره عددی آن، بیش از نیمی از جمعیت کشور را در بر می‌گیرد، هر سال در کمیته دستمزد که یک کمیته تخصصی ذیل شورای‌عالی کار است بهانه‌ها و ترفندهای مجری‌القولوی برای طفره رفتن از بحث اصلی یعنی محاسبه سبد معیشت خانوار حداقلی -موضوع بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار- در دستور کار قرار می‌گیرد. هدف ساده است؛ نمی‌خواهند حق قانونی کارگران را حتی روی کاغذ به‌رسیمت بشناسند.

امسال به‌گفته فلان کارگری بحث اندازه یک خانوار متوسط و نوع چیدمان خانوار را پیش کشیده‌اند؛ بحث‌هایی از این دست که باید بدانیم چند درصد کارگران شاغل، مجرد هستند و در خانوارهای کارگری، چند نفر نان‌آورند و به تأمین معاش کمک می‌کنند.

سال پیش، بحث دنباله‌دار و پرحاشیه‌ای به‌عنوان «مزد منطقه‌ای» را پیش کشیدند که البته امسال نیز در ۲ جلسه ابتدایی کمیته دستمزد و قبل از بهمن، آن را دنبال کردند؛ اما از آنجا که تحقیقات مستقل مرکز پژوهش‌های سازمان تأمین اجتماعی که به خواست کمیته دستمزد صورت گرفته بود، اثبات کرد که هنوز زیرساخت‌های مزد منطقه‌ای و مزد صنوف در ایران فراهم نیست و نمی‌توان در مزد

«**کارتون روز**»



مزد «مشروط» نیست!



بر اساس اعلام مراجع رسمی، اندازه یک خانوار متوسط ایرانی، کم‌کم‌ان ۳.۳ نفر است؛ بنابراین نمی‌توان استدلال کرد چون نرخ فرزندآوری و نرخ ازدواج پایین آمده از اندازه خانواده کاسته شده است

مشروط نبودن دستمزد به مختصات کارگران و شرایط جسمی و خانوادگی آنها، از متن واضح و غیرقابل تفسیر ماده ۴۱ قانون کار -تنها ماده مربوط به تعیین دستمزد کارگران- مشخص است. بند دوم این ماده قانونی، غیرقانونی بودن استدلال درباره آنها سبب معیشت خانوار متوسط را محاسبه است: «بدون توجه به مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی‌های کار محوله‌شده» باید مزد به‌گونه‌ای باشد که زندگی یک خانواده متوسط که اندازه آن را مراجع رسمی تعیین می‌کنند، تأمین شود.

براساس اعلام مراجع رسمی، اندازه یک خانوار متوسط ایرانی، کم‌کم‌ان ۳.۳ نفر است؛ بنابراین نمی‌توان استدلال کرد چون نرخ فرزندآوری و نرخ ازدواج پایین آمده از اندازه خانواده کاسته شده است! آخرین آمارگیری رسمی همان ۳.۳ نفر را همچنان تأیید می‌کند و تا زمانی که یک آمارگیری رسمی جدید صورت نگیرد، این عدد همچنان اعتبار دارد و باید مبنای محاسبات قرار بگیرد.

استدلال مجرد بودن کارگران مردود است!

او به یک استدلال بی‌پایه یعنی «مجرد بودن تعداد زیادی از کارگران» اشاره می‌کند و می‌گوید: این رفتار که مزد را به تجرد و تاهل مربوط کنند، نوعی جنایت و حق‌کشی است. فرض کنید یک کارگر مجرد باشد. همه آینده و زندگی او به این بستگی دارد که بتواند کمی پس‌انداز کند و خانواده تشکیل دهد. اگر قرار باشد کمتر دستمزد بگیرد، همه آینده جوانان بر باد می‌رود؛ کما اینکه همین

امروز با این مزدهای ناچیز، نرخ ازدواج پایین است. این نوع دسته‌بندی‌ها این نرخ را پایین‌تر خواهد آورد و تشکیل خانواده به قهقرا می‌رود.

استدلالات کارفرمایان، حربه‌ای برای تقلیل درصد افزایش مزد است و می‌خواهند یا به انحراف کشیدن مسیر مذاکرات و جلسات مزدی، تسا جایی که می‌توانند قانون را دور بزنند، اما در مقابل این استدلال می‌توان یک نظریه متقن برای رد آن ارائه کرد؛ اولاً قانون به هیچ وجه به چنین تمایزگذاری‌هایی مجوز نمی‌دهد و مزد هیچ ربطی به نوع زندگی کارگر ندارد و ثانیاً در کنار کارگران مجرد، کارگرانی هستند که تنها سرپرست و نان‌آور یک خانواده بزرگ مثلأ ۷ نفره هستند؛ چرا آنها را در نظر نمی‌گیرید؟! این ۳.۳ نفر، متوسط اندازه خانوار است؛ به این معنا که متوسط خانوارهای ایرانی شامل کارگران مجرد، کارگران بدون فرزند، کارگران صاحب یک فرزند و کارگرانی که فرزندان بیشتری دارند، اکنون ۳.۳ نفر است و مزد باید به‌گونه‌ای تعیین شود که هزینه‌های خانواده متوسط قابل تأمین باشد. خواسته کارگران مشخص است و نیاز به تکرار و یادآوری ندارد: «جزئیات و بهانه‌ها را کنار بگذارید، سبد را محاسبه کنید و مزد را برابر با نرخ سبد معیشت افزایش دهید.»

سخن پایانی…

هر سال نگرانی‌های جدید برای طبقه کارگر از راه می‌رسد. براساس اطلاعات دریافتی، قرار است جلسات کمیته دستمزد در ۲ هفته یک بار برگزار شود؛ این یعنی تا آخر بهمن حداقل یک جلسه سه‌جانبه دیگر برگزار خواهد شد، اما مسئله اینجاست که باوجود آماده بودن داده‌های آماری دی، هنوز محاسبات سبد معیشت کلید نخورده است. دولتی‌ها امسال شروع به نعل وارونه زدن کرده‌اند و از سال‌های قبل هم بیشتر بر طبل مخالف می‌کوبند. اکبری می‌گوید: تا وقتی مشکل مستقل و قدرت چانه‌زنی نباشد، هر سال باید گفت دریغ از پارسال! منتظر دیگری از دولتی‌ها و کارفرمایان نمی‌رود. دولت به وظایف خود در قانون اساسی از جمله تأمین مسکن، آموزش و بهداشت رایگان پایبند نیست و کارفرمایان هم «مزد شایسته و قانونی» را اصلا به رسمیت نمی‌شناسند.

اما آیا واقعا امسال قرار است به بهانه مجرد بودن بسیاری از کارگران یا کهنه شدن اندازه خانوار متوسط، حتی روی کاغذ سبد معیشت را امضا نکنند. آیا قرار است با این چانه‌زنی‌های غیرقانونی و باطل، درصد افزایش مزد را نسبت به همیشه تقلیل دهند؛ آیا پایین‌تر از خط فقر مطلق هم قرار است خطی تعریف و رسم شود و مزد کارگران، مزدی برابر با سقوط به زیر آن خط فرضی باشد؟!

مرگ با ما ر فیق شده است



محمد اسدی، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون در سن ۶۱ سالگی درگذشت. محمد اسدی زاده سال ۱۳۳۸ در تهران است که در نمایش‌هایی همچون «آن زمان فرا خواهد رسید» به کارگردانی هرمز هدایت، «ماموریت حساس» به کارگردانی مجید مظفری، «بینوایان» به کارگردانی بهروز غریب‌پور، «ضیافت چای ژنرال‌ها» به کارگردانی رضا شالچی،

«گوریل پشمالو» به کارگردانی اکبر زنجانی‌پور، «نادر شاه اکتور تئاتر» به کارگردانی جمشید جهانزاده و… به ایفای نقش پرداخته است.

بازی در مجموعه‌های تلویزیونی «تابغه‌های قرن بیست‌ویکم» به کارگردانی حسین محب‌اهری، «همشهری» (طنز) به کارگردانی علیرضا مجلل، «روزهای بی‌پاد ماندنی» به کارگردانی تورج منصوری، «بچه‌های خیابان» به کارگردانی همایون اسعدیان و فیلم‌های سینمایی «مرد ناتمام» به کارگردانی محرم زینال‌زاده، «داستان ناتمام» به کارگردانی حسن یکتاپناه، «نگاه» به کارگردانی سسپیده فارسی از جمله فعالیت‌های او در حوزه بازیگری به‌شمار می‌آید.

هادی مرزبان، کارگردان تئاتر که در اجرای ۴ اثر نمایشی با این بازیگر همکاری داشته، با تأیید این خبر به ایسنا گفت: محمد اسدی از جمله بازیگرانی بود که همانند همه هنرمندان تئاتر عاشقانه و با جان و دل در این حوزه کار می‌کرد و متأسفانه صبح روز جمعه، ۱۷ بهمن بر اثر ایست قلبی درگذشت.

مرزبان درباره درگذشت محمد اسدی گفت: واقعا نمی‌دانم چرا مرگ تا این حد به ما نزدیک و با ما رقیق شده است. هنوز در شوک از دست دادن علی انصاریان و مهرداد میناوند هستیم که خبر رفتن یک عزیز دیگر هم کام‌مان را تلخ‌تر کرده است. امیدوارم این روزهای سیاه زودتر بگذرد.

طنز تلخ تاریخی

فازهای پارس جنوبی را توسعه دادیم و ظرفیت تولید گاز کشور در رکوردی بی‌سابقه به یک میلیارد مترمکعب در روز افزایش یافت. بسیاری از تصمیم‌گیرندگان امیدوار بودند حالا که در بازار جهانی گاز نقش بسیار ناچیزی داریم، حداقل با این میزان تولید نیازهای داخلی کشور به گاز را به‌صورت کامل پوشش دهیم، اما نشانه‌ها و آمارهای موجود می‌گوید این استراتژی در نهایت به وضعیت باخت-باخت منجر شده است.

وزارت نفت ایران اعلام کرد در نخستین روز زمستان امسال، مقدار گاز تزریق‌شده به شبکه خطوط سراسری ۸۱۰ میلیون مترمکعب بود که این مقدار نسبت به دوره مشابه سال گذشته افزایش بیش از ۱۰ درصدی را نشان می‌دهد. این میزان مصرف به روایتی ۴۳ درصد مصرف اتحادیه اروپا است.

ایسن آمار به ما می‌گوید اگر امروز برای نان شب محتاج صادرات نفت هستیم، فردا نیز برای زنده ماندن از دست سرمای سوزناک زمستان محتاج واردات گاز خواهیم شد.

منابع تولید گاز کشور محدود است و ما یک پارس جنوبی بیشتر نداریم. از طرفی مطابق گزارش اوپک، ایران سهمی معادل ۶.۷ درصد تقاضای گاز جهان را به خود اختصاص داده، این در شرایطی است که فقط ۱.۱ درصد جمعیت دنیا را داراست. این اعداد نشان می‌دهد سرانه مصرف گاز در ایران ۶ برابر جهان است. پس هرگز دور از ذهن نیست با سیاست‌های فعلی، باوجود اینکه تقریباً تمام گاز تولیدی را در داخل مصرف می‌کنیم، در آینده نزدیک، به این انرژی وابسته‌تر شویم.

اکنون که به نیمه زمستان نزدیک شده‌ایم، آمار جدیدی ثبت شده و نگرانی‌ها جدی‌تر مانده است. معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران گفته رکورد فرآورش گاز در کشور شکسته شد و از ۸۱۰ میلیون در ابتدای زمستان به مرز ۸۴۰ میلیون مترمکعب در روز رسید. از طرفی رابطه تولید با مصرف به‌زودی معکوس می‌شود؛ یعنی همین‌طور که سالانه مصرف داخلی گاز در کشور افزایش می‌یابد، تولید گاز نیز با افت محسوسی روبه‌رو خواهد شد.

اکنون نیز افت فشار مخزن پارس جنوبی عامل مهم چالش‌گازی کشور است. براساس برآوردهای انجام شده، افت فشار گاز در مخزن پارس جنوبی باید از سال ۱۴۰۶ آغاز شود اما به‌عقیده برخی کارشناسان، به‌دلیل افزایش مصرف خانگی شاهد تشدید روند این افت فشار هستیم و از سال ۱۴۰۶ شاهد افت تولید روزانه ۲۸ میلیون مترمکعبی از پارس جنوبی خواهیم بود که براساس پیش‌بینی‌های این روند کاهش ادامه داشته و در سال ۱۴۱۲ به رقم ۲۶۶ میلیون مترمکعبی می‌رسد.

سیاست وابستگی شدید کشور به گاز هم‌اکنون به وضعیتی باخت-باخت منجر شده است. حجم گاز نه‌تنها در عرصه بین‌المللی به ما قدرت نداد، بلکه در آینده‌ای نزدیک در عرصه داخلی نیز با چالشی جدی مواجه خواهیم شد.

نه‌تنها از سرما بر خود خواهیم لرزید بلکه برق کشور نیز تحت تأثیر بی‌گازی قطع خواهد شد. وزیر نیرو می‌گوید هم‌اکنون برای تأمین برق ۳۷ میلیون مشترک، نیروگاه‌ها ما به سوخت نیاز دارند و این سوخت به اشکال مختلف و بیشتر گاز تأمین می‌شود.

یک طنز تلخ تاریخی می‌شود و آیندگان که امروز ما سهم انرژی آنها را نیز مصرف می‌کنیم ما را نخواهند بخشید، وقتی بدانند کشور دارای بیشترین ذخایر و بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز جهان است اما نه‌تنها در بازار جهانی گاز نقشی ندارد، بلکه واردکننده گاز شده و حتی در تولید برق نیز درمانده شده است.

به‌دلیل ناتوانی در استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی، گسترش مصرف گاز به‌ویژه در بعد خانگی را با شعار محرومیت‌زدایی محقق کردیم و با هر قیمتی هزاران کیلومتر خطوط لوله گاز را به صدها شهر کوچک و حتی روستاهایی با جمعیت اندک رساندیم و نام آن را توسعه‌یافتگی گذاشتیم.

تا گاز و نفت هست روی توسعه منابع تجدیدپذیر کاری نمی‌کنیم و به قول احمد شاملو اعتقاد داریم «چو فردا رسد فکر فردا کنیم» چند روز گذشته دوباره یک پالایشگاه گازی دیگر در غرب کشور افتتاح شد.

رئیس جمهوری در آیین افتتاح این پالایشگاه آرزو کرد «بخشی از قدرت ملی خود را در سایه قدرت انرژی خود ببینیم». مانند خط انتقال گاز روسیه به اروپا، مانند صادرات نفت عربستان و دیگر کشورهای عربی، مانند دیپلماسی گازی امریکا در جهان. اما آمارها می‌گوید در حالی که بزرگ‌ترین ذخایر انرژی جهان را در چنگ داریم، این آرزو به‌دلیل فرهنگ مصرف داخلی، نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌ورزی در کشور، منزوی بودن در جهان و نداشتن سرمایه برای توسعه مخازن، روز به روز دست‌نیافتنی‌تر می‌شود. ما گرفتار یک وضعیت باخت-باخت در تولید انرژی هستیم.